

✓ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و..... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند،

شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید. برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی

لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

WWW.KARNIL.COM

توسعه اخلاقی

غرضالمعلم زاد

ملیت‌آوار علوم‌سرای دانشگاه آزاد االمی واحسنبری

مقدمه

امروزه توسعه ران‌می‌توان درمفهوم بقا صادی خلاصه کرد توسعه علاوه بر توسعه عقلی و تخصص‌ادی، شامل توسعه هی‌اسی، اجتماعی و فرهنگی است. اما یک بعد مهم‌ترای یک زندگی اجتماعی توسعه اخلاقی است. اگر می‌بینیم که در جامعه ما سررله خالق‌کافی بی‌کاشتن می‌شود، ناگهان بلبه من‌لطف توسعه اخلاقی بی‌ریشه می‌شود. بل‌رطن من می‌خواهم از مفوم جدیدی در بحا‌ت توسعه با عن‌وان توسعه اخلاقی " Ethical Development ص‌ت‌کنم. طن بح‌ت‌برای م‌با موضوع تک‌لش خص‌ت‌ای‌رلی" هم‌پ‌ن‌ب‌پ‌دا می‌کنم بعضی‌نوی‌سندگان ای‌رانی ب‌های‌ف‌ش‌کل پ‌ر‌ت‌ه‌ان‌د.

س‌خ‌گ‌ف‌ت‌ن د‌ب‌اره ش‌ک‌ل‌ش خص‌ت‌ای‌رلی م‌جال‌گیری می‌ط‌ب‌د، اما احساس می‌شود، جامعه ما در سال‌های اخیر، دچار بدا‌خ‌لاق‌ی شده است؛ اگرچه هنوز ضد خ‌لق‌ی‌ست. فوز جامعه ما وارد مرحله بحران خ‌لق‌ی‌ن‌ش‌ده با طن‌ح‌ال‌بل‌د چ‌ار‌ان‌دی‌ش‌ی‌ک‌رد‌ب‌عد مهم‌ی‌ت‌وس‌ع‌ه ر‌س‌لی‌ و فر‌ت‌گی‌ت‌وس‌ع‌ه اخ‌لاق‌ی‌ست. امروزه می‌توان ثروت‌ی‌ک‌ جامعه را علاوه بر سررله تخصص‌ادی با سررله اجتماعی س‌ن‌ج‌د. ک‌ن‌ون‌ب‌ل‌د‌س‌ر‌ر‌له اخ‌لاق‌ی Ethical Wealth را هم‌ب‌ح‌ت‌وس‌ع‌ه‌ف‌ل‌ز‌ود‌ن‌س‌ان‌ب‌ه‌س‌لی‌ت‌زاده‌ن‌می‌ش‌ود‌ل‌که ب‌ه‌س‌لی‌ت‌می‌ش‌ود...

ب‌ه‌ن‌ظ‌ر م‌ن‌ب‌ل‌گ‌ذ‌ش‌ت‌ن از چ‌ه‌ار‌ن‌س‌ان‌ب‌ه‌س‌لی‌ت‌می‌ش‌ود و ت‌ح‌ق‌ق‌ می‌ی‌ل‌د‌ت‌وس‌ع‌ه اخ‌لاق‌ی‌م‌س‌ت‌ل‌ز‌م‌طن‌اس‌ت‌ک‌ل‌ن‌س‌ان‌ه‌ا‌د‌ر‌م‌س‌ی‌ر‌ب‌ع‌ور از چ‌ه‌ار‌ن‌س‌ان‌ب‌ه‌س‌لی‌ت‌را‌ب‌گ‌ی‌ن‌د:

- **ف‌ز‌ل‌اول‌ادب‌است.** ادب‌آمو‌ق‌نی‌است؛ آمو‌ز‌ش‌ه‌ای‌ک‌و‌کی‌و‌ن‌و‌ج‌ول‌ی‌ب‌ط‌د‌ادب‌را‌د‌ر‌ان‌س‌ان‌ا‌ج‌گی‌ر‌ک‌ن‌د.
- **ف‌ز‌ل‌دوم‌ال‌ق‌است؛** طن‌م‌ن‌ز‌ل‌پ‌ی‌م‌و‌نی‌است و ت‌م‌ض‌م‌ن‌و‌ظ‌ف‌ه‌،‌ال‌ز‌ام‌ت‌ح‌م‌ل‌و‌ت‌ح‌م‌ل‌می‌ا‌ش‌د.
- **ف‌ز‌ل‌س‌وم‌م‌ن‌ز‌ل‌ع‌ش‌ق‌س‌ل‌ت.** ع‌ش‌ق‌،‌پ‌چ‌ر‌ی‌ن‌ی‌و‌ت‌ج‌ب‌ه‌ای‌ف‌و‌اس‌و‌ی‌ال‌ز‌ام‌ه‌ای‌ال‌ق‌ی‌است.
- **ف‌ز‌ل‌چ‌ه‌ار‌می‌که‌ش‌ی‌س‌ت‌ه‌است‌ز‌اس‌ان‌ای‌ر‌ان‌ی‌ب‌د‌ان‌گ‌ذ‌ر‌ک‌ن‌د،** ف‌ز‌ل‌و‌ل‌س‌ت‌گی‌است؛ طن‌ف‌ز‌ل‌ر‌س‌ی‌نی‌است و ق‌ا‌م‌ب‌س‌اط‌ت‌و‌ث‌ب‌ات‌است.

خالق پهلوانتر از عشق و بالشر از ادب است. اگر جامعه از نظر اخلاقی متوسع و مفتعل باشد، اکثریت مردمان آن جامعه بطلد و فزل اول و دوم را طی بکنند بجزیاری به فزل سوم یعنی ساحت عشق برسند. در یک جامعه سالم، ساحت سوم هم برای بسیاری فلر ادبیلد قبل است ترسب باشد. اما منزل چهارم (اوستگی) از آرنسان هایت خقی عفتلته است. مساله مهم در واقع طن است که هالخره در جامعه طرری امروزینسان هلبه فزل اولی یعنی ادبکه آخیتن ی است و اخلاق کمی مونی است و عشق که پشینی است بترسند وانسان های ورسیده ای درون جامعه تویی ت شون دک هبه منزل چهارمی یعنی ورسنگی برسند بقی اسی است بطلد ساحت واریت گان باشد نه عرصه ای برای حضور و کسلی که می خواهد بخت خودش را بلی شت رب انکیند و هوا و موس های خود رفب ترس از ندگاه می یعنی کمسی که هنوز ادب ریام و خچه در چاگامورگان می نشیند. طن هاست که جامعه امروز ما را دچار بی مای کره است!

فزل اول: ادب

فزل اول آن گین مک مگنتم، منزل ادب است و ممان طور که هاش اره شد، ادب آموختنی است و در کویکی ونوج و بی بی بلد بلسان آموزش داده شود. ادب بطل قبل از بلوغ و غق لانی برای کودک ونوجوان آموزش داده شود تا در او اچگی ریشود. ادب منزلی است، قبل از ورود به منزل خالق؛ در آستانه خالق قرار دارد اما قبل اخلاق و مقدمبر آن است. بخت ادب در جامعه فزل ه نگار آمدی و کسلی های آموزش کودکان است اینسان از طریق آموزش انسان می شود. خالق از ادب آغاز می شود. ادبی کهنی است ظاهری است و هموار و شرفیلضی است و واقع یعنی ست بلکه نشله و صورت ظاهری آن چیزی است که ناسان در درون بطلد داشت بلسان بی بلرطن ما در دوران کویکی، بکودک می آموزم که ظاهر یعنی است های خالق را از خوردن حلش دهد و تله کنی. در تری اخلاق کودکان بطلت و انی بین ادب و عشق بقرار شود یعنی کودکان ر بطلد هتأه کرد و هم مورد مهر و عشق قرار داد.

ادبی که خصصیت اخلاقی است بلکه هی که رسفونگی مهم است که نسان هلبیلدی انگی رند. چه خوشگفتس عدی که: «ادب مردبه زدولت اوست.» ادب آخیتن ی است و ما در لبیات مان داریم: «چون بود صلگو مری قبل تری را در او نربیشد.»

برای ارفیلی طیفی است ظاهری که محصول آموزش دوران کویکی است تکمافی است در مظلایکی از مدارس و مؤسسات آموزشیت بقیم؛ بتم تویق مان را از زودی کمش آمده خواهد کرد!

وقتی ولین خدشان آموزش ها و مهارت های الزم رای ادنگفته ند، چه چیزی را می خواهند، آموزش بطلد. نظام آموزشی ماشیکلاتی دارد و ما هم شکلی دایم بیلرطن صفا ادب صوری و ظاهری را آن هم بشکل نصلرب هبچه هلمانیاد می نیم فنضی است های لقی را.

نه اد آموزش و پرورش در رلبط هگلس ترش فضا است های نسانی و خالق در جامعه نقش مهمی دارد؛ بخصوص در مورد چه هاکه مستعد آموختن مستی. ولی تق بلخشی از مری لیتبر عده آموزش و

پرورش است بی‌بهره در خان‌واده، رس‌نه‌ها و خودش‌ه‌رون‌دان، دولت و فیش و فتارسی‌بلت‌مداران‌ش‌کل‌های غیردولتی، نه‌اده‌ای‌جام‌عه‌م‌بنی‌نه‌اده‌ای‌کنفول‌ی‌دات‌فون‌گی‌ارلی‌ه‌می‌کنند، و م‌خ‌و‌ای‌بر‌ن‌ام‌های‌ت‌وی‌زی‌ونی‌ه‌م‌ه‌و‌م‌ه‌در‌این‌مس‌ل‌ف‌ق‌ش‌دارند.

در‌طن‌ز‌ص‌ن‌هی‌کی‌از‌گام‌ها‌آموزش‌است. ام‌ام‌سل‌ه‌م‌ه‌تر، اراد‌م‌ب‌کار‌گی‌ری‌آم‌و‌خ‌ت‌ه‌است‌اس‌اس‌ا‌ک‌س‌ی‌را‌که‌ه‌وش‌م‌ن‌ی‌ست، ن‌م‌یت‌وان‌ش‌ورت‌داد‌ک‌س‌ی‌را‌که‌اراد‌خ‌غ‌ی‌ری‌رن‌دار‌ده‌ش‌وار‌است‌ک‌ب‌ت‌و‌ر‌ه‌م‌غ‌ی‌ری‌ن‌م‌ب‌ط‌د‌در‌م‌س‌ات، آم‌و‌ش‌ک‌ده‌ها‌و‌ن‌ه‌اده‌ای‌ک‌لان‌تر‌طن‌ه‌وش‌م‌ن‌ی‌دی‌و‌اراد‌م‌بر‌ای‌ل‌جام‌ت‌غ‌ی‌رات‌ن‌ف‌ت‌خ‌الق‌ی‌و‌ج‌ود‌د‌اش‌ت‌م‌باش‌د.

ف‌زل‌دوم: ا‌الق

ف‌زل‌دوم‌ف‌زل‌خ‌الق‌بلت؛ ما‌وق‌تی‌از‌اخ‌لاق‌ص‌ح‌ت‌می‌ک‌و‌م، ش‌ام‌لف‌ض‌ری‌ت‌ط‌ی‌است‌ت‌ک‌ب‌ط‌د‌در‌ناس‌ان‌ش‌کل‌گ‌ی‌رد. خ‌الق‌ب‌ر‌خ‌لاف‌اد‌ب‌ام‌ری‌ظ‌ا‌ه‌ر‌ف‌ی‌س‌ت‌ب‌ل‌ک‌ه‌ام‌ری‌د‌رو‌ن‌ی‌است‌ی‌ع‌ی‌اح‌ت‌رام‌ل‌وق‌ع‌ی‌وت‌ع‌ه‌ب‌ه‌ف‌گ‌ری‌است‌ب‌ق‌س‌ع‌ه‌خ‌الق‌ی‌جام‌ع‌ه‌ری‌از‌ف‌ش‌ک‌ل‌گی‌ری‌م‌ن‌ی‌ت‌های‌خ‌الق‌ی‌در‌ان‌س‌ان‌ه‌است. م‌ن‌در‌اد‌ام‌ب‌ه‌ف‌ل‌ض‌ری‌ت‌های‌اخ‌لاق‌ی‌اش‌اره‌می‌کن‌م:

وفاداری

چ‌را‌م‌ن‌ب‌ط‌د‌ب‌ه‌ع‌ه‌دی‌که‌در‌گ‌ذ‌ش‌ت‌ب‌س‌ت‌ه‌ا‌م‌ف‌اد‌ار‌ب‌ل‌ش‌م‌در‌ح‌ال‌ی‌ک‌ه‌ش‌ر‌ط‌ع‌وض‌ش‌ده‌و‌م‌ن‌م‌ه‌م‌ف‌خ‌یر‌ف‌ل‌ت‌ه‌ام‌گ‌ب‌ه‌خ‌اط‌ر‌وف‌اد‌اری. می‌گ‌و‌ن‌د‌ن‌اس‌ان‌د‌وس‌ت‌اش‌را‌م‌ان‌دی‌ک‌ی‌پی‌را‌ه‌ن‌ع‌وض‌ن‌می‌ک‌ند. ر‌اس‌ان‌ت‌ق‌ه‌ا‌ز‌م‌ل‌ی‌م‌چ‌ه‌ل‌ی‌رو‌ن‌ی‌و‌م‌ع‌ی‌وی‌و‌ف‌ک‌ری‌دار‌ن‌ک‌ه‌خ‌اط‌ری‌ت‌ی‌دار‌د‌ان‌س‌ان‌ت‌ا‌ز‌م‌ل‌ی‌و‌ا‌ج‌د‌ن‌اس‌ل‌ت‌اس‌ت‌ک‌ب‌ه‌خ‌اط‌رات‌خ‌وب‌ی‌های‌گ‌ذ‌ش‌ت‌و‌ف‌ط‌ار‌است‌ب‌ه‌م‌ادر‌ش‌ب‌پ‌در‌ش‌ب‌د‌وس‌ت‌اش‌ب‌ع‌ش‌ق‌اش.

دون‌ل‌یش‌ی

ی‌ع‌ی‌و‌د‌در‌از‌م‌د‌ت‌دا‌ش‌ت‌ن‌ف‌ر‌ج‌ام‌ام‌ور‌را‌ی‌دن. دور‌ل‌و‌ش‌م‌ن‌ی‌ت‌ع‌ق‌ل‌است.

اعتدال

زی‌اده‌روی‌ط‌اع‌ون‌ل‌فت‌است. اع‌د‌الی‌ع‌ی‌ح‌ن‌گ‌ه‌ل‌ش‌ت‌ن. اع‌د‌ال‌از‌ی‌ک‌س‌وی‌ه‌و‌ر‌ا‌ب‌ر‌ش‌ه‌وت‌ر‌ل‌ی‌و‌ف‌ل‌راط‌در‌ل‌ذ‌ت‌ج‌ه‌ی‌است‌و‌از‌س‌و‌ی‌ی‌گ‌ر‌د‌ر‌ب‌ر‌ب‌ر‌ی‌اض‌ن‌گ‌ش‌ی‌و‌م‌ن‌ع‌ل‌ذ‌ت‌و‌ز‌ه‌د‌است. اع‌د‌الی‌ع‌ی‌ای‌اب‌خ‌ود‌و‌ا‌ه‌ال‌خ‌وب‌و‌دن‌ی‌ع‌ی‌ب‌ت‌ر‌و‌ک‌ام‌ل‌تر‌ا‌رن‌د‌گی‌ب‌ه‌ر‌ب‌رد‌ن‌یع‌ن‌ی‌ه‌ن‌ر‌ل‌ذ‌ت‌ب‌رد‌ن‌ی‌ع‌ی‌ل‌د‌از‌ف‌گ‌م‌دا‌ش‌ت‌ن. اع‌د‌ال‌ع‌ل‌ات‌است!

شجاعت

شجاعت بی ترس و دلیرانه است. اما شجاعت بی احتیاطی نیست؟ شجاعت، نبودن ترس نیست بلکه تسلط بر ترس است. شجاعت در زمان خطر و در زمان ناآرامی و در زمان ناخوشایندی است. شجاعت در زمان ناخوشایندی است. شجاعت در زمان ناخوشایندی است. شجاعت در زمان ناخوشایندی است.

عدالت

عدالت از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. عدالت از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. عدالت از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است.

بخشندگی

بخشندگی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. بخشندگی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. بخشندگی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است.

لوسوزی

لوسوزی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. لوسوزی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. لوسوزی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است.

بخشندگی

بخشندگی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. بخشندگی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. بخشندگی از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است.

سپاسگزاری

سپاسگزاری از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. سپاسگزاری از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است. سپاسگزاری از هر کس به اندازه توانایی اش خواستن و به هر کس به اندازه شایستگی و به عدالت دادن است.

فانتهگی

فضیلت فگر اخلاقی فتلادگی است بفتلادگی خوارش مردن خویشتن سیستبیل که خدانش مردن خویشتن است. افتادگی یعنی لیتن س از فرزل هاست. رهن از فرزل ه می دلنکه رهن ان است، نه چیزی بی شفتلادگی نه به مفه و فبر و فهاگی است و نه به مفه و م ن خوت. می ان طن دواست فبر و فهاگی یعنی ن پیست گداشتن خود و ن خوت یعنی ن قرار دادن خود در فهاگی خدای ففتلادگی اما هله طن دواست فبرزل که سی است که عزت نفس دارد؛ غرور نقت دارد. فتلادگی به طن فهاگی شاره دارد. ما درکی هلی گوت رده زندگی می کوی مکه از هلی ون هله کشان ش کی ل ش ده کی از طن ککشان ها فظوم ش مسی است و زهن ما جز عوچی کی از فظوم ش مسی است و منبر روی طن زهنی کی از می لوی رده ان سان هستم. فتلادگی به من می آموزد که فطی ان کنیم. نه خود رپست ناگوارم ونه خود را در فهاگی خطی بین هم فبرخی ی زدی می گوید: «هر فتلادگی دارم گفتم رنگ بی رنگی.»

سادهگی

فضیلت فگر خالق کی که الزم است در ماشکل بگی رد و بهتوسعه خالق کی جامع ه ما کمک می کند، سادهگی است. جامع ه ما بی ش از حد از سادهگی دور شده؛ سادهگی در برابر دووی، گره خودگی و پرم مدعی است. هماغنه ه کففس می کشی زنگی کن؛ سیکبال؛ ساده؛ بی مدع، بی فلتخار؛ بی شرمساری بی سربلگری و کول ه بولد از دامش آن اجتماعی گی خت. طن س لگی گی ای انهنی لیت های م است به قول س هراب:

ساده بی می.

ساده بی می چه در باجه کی بل ک چه در نور درخت.

کارا بی ستن اسطی "راز گلی سرخ،

کار ماشطی طن است

که در فاسون گل سرخ شرن او بی می.

بیو باری

یکی از سهرای تری رفضرلیت ه بر باری است بر باری بی رواداری و تنس اولن یعنی عت حمل دی دگاه های مخالفتا جلی که فخر به ظل می نشود بیله دی دگاه های مخالف ریلذی فوت و ت حمل کرد. حقیقتن ها نزد فهای ستب ه خطاب بی گران ه بی ل دگوش داد. شاعری می گوید: «از شت های بر باری می طم از دشت های عاشق باران» فع الان سیریلی همکاش از دشت های بر باری بی طنند. از دشت های عاشق باران هت اس فله در جوامعی کففس و سه خالق کی رففتله لداغل بکس لوی وارد امور مدی هتی و اجرطی و

قله مروی است می شون که نهی لیت اخلاقی دارند و نهی اسی! عوام هم که مه جا در بند ظاهرند.
پس کس نهی تویق می یه یق که طوق ظاهر آرتی رانی کب دراندا!

پیکدامنی

پاکدانی یعنی لبتی گری لبت. در منزل خال قیپا کدانی هم از صفات والای رهبری است پیاکی در نبود
خوامش و غی زنی س تبیل که در خواهشی خطا وبی زور است. عشق تهر احب کیننده نی پاک است؛
یعنی موس است. شوقی که عطا می کنی پاکدانی است عشقی که در صددت صاحب و گویند است
نی پاک است. ولی عشق آنکسی که در پی بذل م صحتب ه فگری است پیا کدانی است ب مگفت مس عدی؛
پایکی زه روی رکب و نی کدانی بقویکی از وجوبش و به روشنی».

نرم دلی

فلفلی لیت های خالق ی فگر که در منزل دو مبطی بدانت وج مکرد، نرم دلی است. نرم دلی در بریلر
وحشی گری وسعی در خلق و خوی است. نرم دلی از یک طرف در بریلر خشم و تقو دخی است و از
طرفدی گدر بر بریلر سست عصری وبی حال ای است بیلب رطن نه آن است ونه طن و موضعی می ان طن
دو است. نرم دلی راهبه عدم خشونت عادلانه می برد. جامعه شن بل ان اعضا می گوند، جامعه ما جامعه
ای سخن است. جای فلفلی لیت هم گاه خالی به نظر می رسد. قوتی اکثریت جامعه تفکر صلی و
لبیات و هنر فخر بی خبند جامعه خشن می شود. تفکر صلی و لبیات و هنر و موسیقی رضاء
فضلی لیت نرم دلی است.

حسن رفتی

بلد از حسن رفتی هم سخگفت؛ حسن رفتی یعنی سراتی. همواره چیزی رلگه که در درون به آنباور
داری؛ طن است حسن رفتی. در غیر طن صورت مس کوت کن! حسن رفتی یعنی خودداری از فویب و
ظاهر آرتی؛ یعنی درون نگفتن. گاه مابه خودمان هم دورغ می گویم؛ گاه لسان هانت م ان دگی ربا
دروغبه سر می بنند. دزدگی ما جای حسن رفتی چه در خالی است!

شو و خلبعی

شو و طبعی را هم نبلدن ای ده گفت؛ شو و طبعی خود افضصل خالق لبت انسان های جدی را
بیگدی؛ گاه خنده دار به نظر می رسند. جدی بودن بیش از حد، خنده دار است. شو و طبعی از یک
طرف در بریلر از خود راضی بودن است و از طرفدی گدر بریلر رلتت وساده لوحی. شو و طبعی
جلی صین طن دوقرار مگی رد. شو و طبعی نسبتی با طنز دارد، طنز فخر، خند مل سفینه گویند جلب
غمگساری روشی درست است ون مپردا ختن به زل وی ش خند؛ امری خالق است. طنز ب همفوم هزل
وی ش خندی است. در عین حال، طنز ما را از غمگساری دور می کنی دبیلر طنز شو و خلبعی هم. جامعه
مانی از به شو و طبعی دارد؛ ری از به طن دارکب ه انسان های جدی خیم بین جدی بودن وسلطه
نسبتی هست عبتبار فرفر گرس می رگاب طبعی االح طنز و شو و طبعی به چالش کشیدی. شو و طبع ها

رندان هیتن دباحتی ن مباحث مهمی در طن زهنه دارد و میگوید که طنز چگونگی طنز فرفری گرس می را زیر سئوال میبرد. از آن جاکه اسلش شوخ طبعی و طنز اندیش فندانه و فخر طیکار برد را دارد و از طرف دیگر کار دشواری است بین لطن م عمو لا آن چیزی که رطج است، مزلاست لو دگکی بافی است که شلم بر نامه های خلی از رسوله ها رلبوی دکه چه چیزی به مخاطب لطن ت قل می شود و کویکان چه چیزی یاد میگی رند. ا ال جامعه غیر اخلاقی نمی تونل فرفری شوخ طبعی و رندی رابا الهت و بله بودندش شخصیص دهد. پهن جامعه ابله ان را ارج می نمد و در صدمی نشند!

طن ها نکشی بود دوباره فزل دوم یعنی فزل اخلاق باگذر از خالق مابه فزل سوم می رسیم. بسیاری از انسان ها در یک جامعه سالم به طن فزل نیز می تونل دب رسند.

فزل سوم: عشق

فزل سوم فزل عشق است؛ اشاره شد که ادب ت ظاهر به اخلاق است. از اخلاق هم صحت کفری م. کلون می خوا همگی مکه اخلاق ت ظاهر به عشق و دوست داشتن است. نطش عشق است نه عشق و دوست داشتن لقی. در اخلاق ما در واقع نطش ظاهر عشق و دوست داشتن را ادا می کنیم. اما فزل سوم فرفری خالق است. خالق چون تمض من ادب است ما را از بقید ادب آزاد می کند. به طن م عکله طلب عرض لبطی کویکان ربه اچار وبا آموزش مؤدب کویم کویکان ظاهر خالق را می آموزند. اما قوتی به فزل دوم رسیده، انسان اخلاقی مؤدب هم است. خالق تمض من ادب است. از این رو خالق ما را از بقید ادب و ت اوب آزاد می کند. عشق مبه مهن صورت؛ عشق چون تمض من اخلاق است، ما را از بقید لزام ها و دستور های خالق آزاد می کند. عشق فواسوی خالق و ادب است. عشق ت غیر می کند ت عالی می یلد. از "اروس" یجری غیزه همان زن و مریت "فلی" یجری عشق و ستن تا آگله "یجری نوع دوستی. عشق ب ففیری ت عالی خود، ما رات غیر می دهد. همان گون مکه موی می گوید: «مرد همدم زن دهش دمگی همدم خندهش دم دولت عشق آمد و من دولت پنهان شدم»

عشق ما را کجا می برد؟ ت اچ ایی که همه موجودات را، زندگی را، هتی را و خودمان را مادرله دوست بداریم. عشق آزاکننده است و بله عشق ب و حدت می رسیم.

«زل لطف تو چون جل شدم وز خهشت نپنلن شدم

ای هست تو پنهان شده در هتی پنهان من»

غیت عشق را مبطد در جامعه ماسن مچ؛ غیت عشق های رلبین را. والته «عشق های کزپی رنگی بود عشق نبود عیت رنگی بود». اما عشق راستین انسان ها را می پالید و آن ها ربه جل ب نوع دوستی و ت عهد و صهیت ت عهده ن نسبت به فگری و دوست داشتن بلا شرط همه موجودات، انسان

ها، در جهان، بآ، گل ها و خدا می کشند. عشق تهنی ل ت مادری است؛ دوست داشتی نباشی رطنتی است؛ به آغوش گفتن و نوازش عالم است؛ سوات یکی که عاشق ان برای خودن می چکنند!

فزل چه ارم : ولسنگی

فزل چه ارم ام اب فواسوی عشق راه می برد و فزل ولسنگی ولسنگی است. هلت ترا که ارتو ساله ای در باب ولسنگی دارد. من در طن باره از که ارت الهام می گیری. بمبی ان که ارت ولسنگی فواسوی عشق است؛ زری را والین چیز در عشق طن است که موجب می شود، من خدا را دوست بدارم؛ ولی ولسنگی موجب می شود که خدا را دوست بدارد. ولسنگی بوتر از عشق است؛ زری را عشق موجب می شود، رنج هر چیزی را برای خدا قبول کنم؛ ولی ولسنگی موجب می شود، جز خدا چیزی را قبول نکنم. ولسنگی مقامبی آرزوی است؛ قلم ساطت و ثبات و سکون است. ببمی ان موی:

سکون است او

سکون است او

سکون هر چن است او"

ولسنگی چیزی طن که چیزی انی رون، ما رت ختلتی رقرار نده ان سان نه ای درونش فزل بس می شود ژرف و خدای گین ه قلب ولسنگی نه چیزی می طهد و نه چیزی دارد که خواهد خداوند از او دور کند. درس تخی و لرش خلتی کسان دارد. در طن جان سان، خود رت اجای یکی که ممکن است تخ قق ب چیزی ده است برد ولسنگی ان سلی است تخ قق هفت ه. ان سلی که همه لم کانش را از قو و مفعل در آورده است.

جم عیندی ورتی جگه ری

باحت و سعه خالق بیلبه به احت و سعه ه فلز و دهش و سعه خالق بیلبه خش مهمی لتوس ع فونگی و انسان است. جام مکیونی ما گونت اربدا خلاقى لست. قبل از ان که بمبی اخلاقى و فریبش خالقى بسوی بیلبه موضوعت و سعه اخلاقى و شرط و الزامات آن دی شید. رلبطه بظیل فلراد در جام عه ما عم و لبر لاس ملب مگری تمقیل و بمتی بر ادب ظامری است و نه اضرام لوعی بیلبه سعه اخلاقى جام عه و ملن ع آن لشری دب به وشه های خش و نت بمبی اعتمادی، غیبت، دروغ، ظاهرازی و وروی. اما هم چن بیلبه دد چه کس عی لتوس ع ه فونگی خالقى قع می برد؟



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

 @karnil